

# نوبنیاد

روزنامه سراسری  
صبح ایران

## مذاکرات هسته‌ای دیگر موضوعیتی ندارد

نوبنیاد در مصاحبه دو نماینده مجلس، فرامتن پیام اخیر رهبر انقلاب در موضوع توانمندی هسته‌ای را جویا شد

۳



رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس قواعد جدید حکمرانی  
ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز را تبیین کردند

# نظم نوین خلیج فارس

پرونده ویژه

- ۷ پیام رهبر انقلاب؛ مانیفست اقتدار ایران
- ۸ خلیج فارس و خودآگاهی تاریخی ایرانیان
- ۴ نسخه ایران برای شکست محاصره آمریکا
- ۶ وا همه سناتور آمریکایی از پیام رهبر انقلاب



صفحه ۲

سیاسی

نتایج آخرین نظرسنجی مرکز متا:

تاکید ۷۰ درصدی مردم  
بر رعایت خطوط قرمز

صفحه ۴

بین الملل

فضای متشنج در جلسه استماع کنگره آمریکا

مچ‌گیری سنگین کنگره  
از هگست

صفحه ۵

اقتصادی

پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت روز  
کارگرو روز معلم

صاحبان کسب و کار از  
تعدیل نیرو اجتناب کنند

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت روز ملی خلیج فارس قواعد جدید حکمرانی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز را تبیین کردند

# نظم نوین خلیج فارس

فرمودند: ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه‌ی خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید.

روز پنجشنبه حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت روز ملی خلیج فارس در پیامی ضمن اشاره به تاریخچه این روز ملی، درباره اهمیت مدیریت ایران بر تنگه هرمز،



در پهنه‌ی آبی خلیج فارس و دریای عمان «هم‌سرنوشت» هستیم و بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر، طمع کارانه در آن شرارت می‌کنند، جایی در آن ندارند مگر در قعر آب هایش. و زنجیره‌ی این ظفر که به لطف پروردگار تبارک و تعالی در سایه‌ی تدابیر و سیاست‌های مقاومت و راهبرد ایران قوی محقق شده است، طلیعه‌ی نظم جدید منطقه و جهان خواهد بود.

امروز برانگیختگی معجزه‌گون ملت ایران، منحصر در ده‌ها میلیون جان‌فدای مبارزه با صهیونیسم و امریکای خون‌ریز نمانده و پیشاپیش صفوف به هم پیوسته امت مبعوث شده‌ی اسلامی؛ نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین. از نان و بیوتا هسته‌ای و موشکی. را سرمایه‌ی ملی خود فرض کرده و اعمال مدیریت جدید تنگه خاکی و هوایی پاسدار آن خواهند بود.

ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه‌ی خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید. قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه‌ی ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت را شاد خواهد کرد؛

بی‌ادبانه و لوگ‌گه‌الکافرون. سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۱۴۰۵/۱۰/۱۰ اردیبهشت

لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه‌ی امریکا در نقشه‌ی خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است. ملت‌های مسلمان منطقه‌ی ما خصوصاً مردم شریف ایران اسلامی، موهبت «خلیج فارس» است. نعمتی فراتر از یک پهنه‌ی آبی که بخشی از هویت و تمدن مان را شکل داده و علاوه بر نقطه اتصال ملتها، مسیر حیاتی و منحصر به فرد اقتصاد جهانی را در تنگه هرمز و پس از آن دریای عمان ایجاد کرده است.

این سرمایه‌ی راهبردی، طمع شیاطین بسیاری را در قرن‌های گذشته برانگیخته و سابقه‌ی تجاوزهای مکرر بیگانگان اروپایی و امریکایی، نامنی‌ها، ضررها و تهدیدهای متعدد برای کشورهای منطقه، تنها گوشه‌ای از نقشه‌های شوم مستکبران جهان علیه ساکنان منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد که تازه‌ترین نمونه‌ی آن قذاره‌کشی‌های اخیر شیطان بزرگ بود. ملت ایران که دارای بیشترین ساحل خاکی خلیج فارس است، بیشترین جانفشانی‌ها را در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان داشته است؛ از اخراج پرترغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز که مبنای نامگذاری دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس شده است، تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس و... اما انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه‌ی خلیج فارس بود و امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین

متن کامل پیام به شرح زیر است: بسم‌الله الرحمن الرحیم

یکی از نعمتهای بی‌بدل خداوند متعال برای ملت‌های مسلمان منطقه‌ی ما خصوصاً مردم شریف ایران اسلامی، موهبت «خلیج فارس» است. نعمتی فراتر از یک پهنه‌ی آبی که بخشی از هویت و تمدن مان را شکل داده و علاوه بر نقطه اتصال ملتها، مسیر حیاتی و منحصر به فرد اقتصاد جهانی را در تنگه هرمز و پس از آن دریای عمان ایجاد کرده است. این سرمایه‌ی راهبردی، طمع شیاطین بسیاری را در قرن‌های گذشته برانگیخته و سابقه‌ی تجاوزهای مکرر بیگانگان اروپایی و امریکایی، نامنی‌ها، ضررها و تهدیدهای متعدد برای کشورهای منطقه، تنها گوشه‌ای از نقشه‌های شوم مستکبران جهان علیه ساکنان منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد که تازه‌ترین نمونه‌ی آن قذاره‌کشی‌های اخیر شیطان بزرگ بود. ملت ایران که دارای بیشترین ساحل خاکی خلیج فارس است، بیشترین جانفشانی‌ها را در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان داشته است؛ از اخراج پرترغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز که مبنای نامگذاری دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس شده است، تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس و... اما انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه‌ی خلیج فارس بود و امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین

## خبر کوتاه

### قالیباغ: ایران محاصره‌پذیر نیست

رئیس مجلس شورای اسلامی در حساب‌کاربری خود در شبکه ایکس‌نوشت: اگر دو دیوار یکشاید، یکی از نیویورک تا ساحل غربی آمریکا و دیگری از لس‌آنجلس تا ساحل شرقی، مسافت کل این دو دیوار ۷۷۵۵ کیلومتری شود که همچنان هزار کیلومتر از مجموع مرزهای ایران کمتر است. موفق باشید برای محاصره کشوری با این مسافت طولانی از مرزها! اطلاعات بیشتر برای هگست وزیر جنگ آمریکا: هر کیلومتر برابر با ۶۲ صدم مایل است.

### مخبر: ملت ایران مقابل زورگویی دشمنان ایستاده است

مشاور رهبر انقلاب در نشست با مدیران سکوها‌ی بزرگ اقتصاد دیجیتال ایران گفت: دشمنی جبهه استکبار با ایران ماهیتی است. تجربه دو جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی سوم به وضوح نشان داد که ملت ایران در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا و شرارت‌های رژیم صهیونی به قدرتی دست یافته که دوران زورگویی آنان را به پایان رسانده است. وی با اشاره به تغییر پارادایم‌های حکمرانی در دنیا، آینده اقتصاد را متعلق به حوزه دیجیتال دانست و افزود: در تمام دنیا محوریت این بخش با بخش خصوصی است و دولت‌ها تنها نقش تسهیل‌گر و پشتیبان را ایفا می‌کنند. امروز که خدمات دولتی به بستر پلتفرم‌ها منتقل شده، فعالان فضای مجازی باید با عملیاتی کردن ایده‌های نو، شیرینی این فناوری را به کام مردم بچشانند.

### تابتی: اغراق در اعلام میزان خسارات بازی در زمین دشمن است

نماینده مردم تهران در مجلس در اجتماع مردمی در میدان آیت‌الله‌عسکری گفت: بعضی از مسئولان و رسانه‌هایی که از روی ناآگاهی یا غرض در اعلام اعداد و ارقام خسارت‌های جنگ غلو و آن را چند برابر اعلام میکنند در زمین دشمن بازی می‌کنند و تکمیل کننده جنگ روانی اسرائیل هستند. تابتی در پاسخ به پرسشی درباره جایگاه شورای عالی امنیت ملی و نقش آن در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور توضیح داد که معمولاً گرایش فکری و سیاسی شعاع در هر دولتی همسو با نگاه همان دولت است چون اکثر اعضای دارای حق رای شعاع رادولتی‌ها تشکیل می‌دهند و این نشان می‌دهد در ساختار جمهوری اسلامی، رای مردم تزئینی نیست و تا کجا بر سرنوشت کشور اثرگذار است.

### خضریان: مدیریت تنگه هرمز در باب‌المنذب هم قابل اجراست

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: نیروهای مقاومت همچنان برگه بستن باب‌المنذب را روی میز دارند. نیروهای یمنی طی روزهای گذشته عملیات بستن تنگه باب‌المنذب را تمرین کرده‌اند و مقدمات بسته شدن آن انجام شده است. وی افزود: عدم امکان عبور کشتی‌ها از تنگه باب‌المنذب حدود ۳۰ میلیون دلار هزینه اضافه به همراه ۱۰ تا ۱۵ روز افزایش طول دوران سفر دریایی را به همراه خواهد داشت. به گفته خضریان، کشتی‌های غیرمتخاصم می‌توانند به جای ۳۰ میلیون دلار هزینه اضافه برای دور زدن تنگه باب‌المنذب، ۵ میلیون دلار به نیروهای یمن پرداخت کنند و از آن عبور کنند.

### صالحی: «امنیت جمعی منهای آمریکا» پیام ایران به منطقه است

دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در حساب‌کاربری خود در ایکس‌نوشت: از مدیریت ایران بر تنگه هرمز، نوید امنیت و نفع مشترک برای همه ملت‌های منطقه داده شده. همچنین نفی قاطع حضور آمریکا و تأکید بر هم‌سرنوشتی با همسایگان. به نظر می‌رسد «امنیت جمعی منهای آمریکا» علامت مهم ایران به منطقه برای دوره جدید پسا جنگ است.

## سیاسی

## تاکید ۷۰ درصدی مردم بر رعایت خطوط قرمز

روز گذشته مرکز تحلیل اجتماعی «متا» در پیمایشی با طرح این پرسش از مردم ایران که «در صورت پذیرفته نشدن کدام شروط توسط آمریکا در مذاکرات، ایران باید آتش‌بس را کنار بگذارد و به جنگ ادامه دهد؟» نتایج جالب توجهی منتشر کرد. براساس نتایج این مرکز، ۶۸٪ از مردم معتقدند در صورت عدم پذیرش شرط «برداشتن شدن همه‌ی تحریم‌های اقتصادی» توسط آمریکا در مذاکرات، ایران باید آتش‌بس را کنار گذاشته و به جنگ ادامه دهد. طبق اطلاع‌رسانی این مرکز در این سوال، شرکت‌کنندگان امکان انتخاب بیش از یک گزینه را داشته‌اند. مطابق نتایج این پیمایش، «برداشتن شدن همه‌ی تحریم‌های اقتصادی»، «تضمین برای تکرار نشدن دوباره جنگ از سوی آمریکا» و «به رسمیت شناختن حق ایران برای کنترل عبور و مرور در تنگه هرمز» در کنار شروط دیگر بیشترین میزان اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، ۳۹٪ از مردم معتقدند ایران باید تنها در صورتی جنگ را متوقف کند که همه شروط ۱۰گانه ایران توسط آمریکا پذیرفته شود. طبق نتایج این نظرسنجی، ۵۳٪ از مردم در تجمعات شبانه (حداقل یکبار) شرکت کرده‌اند. همچنین ۲۶٪ از ایرانیان، هربش یا بیشتر شب‌ها در تجمعات شرکت کرده‌اند. این نظرسنجی در ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ از ۱۱۸ نفر از ایرانیان بالای ۱۸ سال سراسر کشور و در بستر پانل ملی متا انجام شده است.



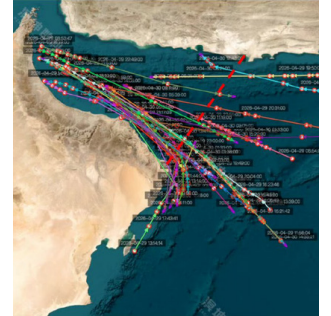
## ۲۶ کشتی دیگر هم محاصره ترامپ را شکستند

داده‌های ناوبری دریایی نشان می‌دهد که محاصره‌شکنی کشتی‌های ایرانی همچنان ادامه دارد. داده‌های رهیابی محموله‌های دریایی نشان می‌دهد که بین ساعت ۱۷:۰۰ روز ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) تا ۱۷:۰۰ روز ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت)، دست‌کم ۲۶ فروند کشتی از خط محاصره دریایی آمریکایی عبور کرده‌اند. از این تعداد، ۱۲ نفتکش و ۱۴ کشتی باری بوده‌اند.

همچنین، در مجموع ۱۱ فروند کشتی از تنگه هرمز عبور کرده‌اند که ۳ فروند وارد و ۸ فروند خارج شده‌اند. نوزده روز از محاصره دریایی آمریکا می‌گذرد، محاصره‌ای که ترامپ آن را هوشمندانه و ۱۰۰ درصد بی‌نقص و فوق‌العاده خوانده است اما آمارهای رهیابی کشتی‌ها در همین مدت از محاصره‌شکنی چند ده کشتی و نفتکش خبر می‌دهد. تاکنون حداقل ۹۴ کشتی و نفتکش خط محاصره دریایی آمریکا را شکسته‌اند.

تنکرترکز دو روز پیش از خط شکنی یک غول نفتی ایران در روزهای آغازین محاصره خبر داده و نوشته است، با وجود اینکه این ابرنفتکش در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار داشت اما از خط محاصره آمریکا عبور کرد تا نشان دهد که محاصره نفوذپذیر است.

از طرفی رسانه‌های خارجی بارها به این نکته اذعان کرده‌اند که بسیاری از کشتی‌های ایرانی که مهارت بالایی در خاموش کردن سامانه موقعیت‌یاب خودکار (AIS) و پنهان‌سازی دارد اما از آغاز محاصره با سامانه‌های روشن به سفر می‌پردازند.



نوبنیاد در مصاحبه دو نماینده مجلس، فرامتن پیام اخیر رهبر انقلاب در موضوع توانمندی هسته‌ای را جویا شد

## مذاکرات هسته‌ای دیگر موضوعیتی ندارد

رهبر معظم انقلاب در پیام اخیرشان به مناسبت روز ملی خلیج فارس تاکید کردند: «امروز برانگیختگی معجزه‌گون ملت ایران، منحصر در ده‌ها میلیون جان‌فدای مبارزه با صهیونیسم و امریکای خون‌ریز نمانده و پیشاپیش صفوف به هم پیوسته امت مبعوث شده‌ی اسلامی؛ نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین - از نانو و بیو تا هسته‌ای و موشکی - را سرمایه‌ی ملی خود فرض کرده و همچون مرزهای آبی، خاکی و هوایی پاسدار آن خواهند بود.» در اینباره با دو نماینده مجلس شورای اسلامی هم‌صحبت شدیم.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

موضوعیتی ندارد.

نماینده مردم کرمان در مجلس افزود: تداوم حضور ایران در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای فایده‌ای برای ایران ندارد.

### بحث خروج از ان پی تی مطرح است

علیرضا عباسی نماینده مردم کرج در مجلس در گفتگو با نوبنیاد در پاسخ به این پرسش که مدیرکل

آژانس انرژی بین‌المللی در مواضع اخیر خود حملات علیه تاسیسات هسته‌ای ایران را محکوم نکرده است و به صورت جانبدارانه سوءنیت سیاسی خود را نشان داده گفت: آقای گروسی در ایران جاسوسی آمریکا و اسرائیل را می‌کرد و بسیاری از اطلاعات و داده‌های حساس تاسیسات هسته‌ای را به دشمن داد و اساساً اینکه بگوییم یا انتقاد کنیم او مستقل و بی‌طرف نبوده سطح بحث را تنزل داده ایم چون او فراتر از عدم استقلال و بی‌طرفی عمل کرده است.

وی همچنین در پاسخ به این سوال که عملکرد ایران با توجه به بدعهدی‌های آژانس بین‌المللی اتمی باید چگونه باشد اظهار داشت: بحث خروج از ان پی تی در قالب طرح‌های مختلف در کمیسیون امنیت ملی طرح شده است و بنا بر صلاحدید نهاد‌های عالی نظیر شورای عالی امنیت ملی و اقتضای منافع ملی ممکن است اعلام وصول شده و به صحن برود.

نماینده مردم کرج در ادامه در پاسخ



به سوالی در خصوص این که «وضعیت نظارت بازرسان و دوربین‌های آژانس در تاسیسات هسته‌ای ایران چگونه است؟» گفت: با توجه قانون «تعلیق همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» ما موران آژانس حق ورود به کشور برای بازرسی ندارند مگر در موارد موردی آنهم منوط به موافقت شورای عالی امنیت ملی است. به گفته عباسی، اقداماتی مانند انتخاب ایران به عنوان معاون رئیس و عضو هیئت رئیسه در کنفرانس منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که اخیراً برگزار شد از یکسو به رسمیت شناختن قدرت ایران میتواند باشد و از سوی دیگر محتمل است با نیت خوبی صورت گرفته باشد.

عباسی همچنین در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چگونه باید با گروسی با توجه به سابقه ضد ایرانی‌اش مواجهه داشت، گفت: به نظر بنده بهترین کار ادامه همین روند اخراج بازرسان آژانس و عدم همکاری با آنها است.

### یادداشت

## الگوی شهید رئیسی

### در میدان خدمت

امیرحسین قاضی زاده هاشمی  
معاون شهیدرئیسی در دولت سیزدهم

شهید حاج قاسم سلیمانی می‌گفت: «فرماندهی در جنگ ما از جنس بودن در نوک بود. فرمانده میدان می‌گفت: بیا، نه برو.

اگر به تعداد شهدای فرمانده تیپ و لشکر ما در دفاع مقدس ۸ ساله و کشته‌شدگان هم‌طرزاً یعنی توجه کنید، می‌بینید که چندین برابر است، چون فرمانده چسبیده به نیروها پیش بود. همین وضعیت مسئولان کشوری ابتدای دهه ۶۰ بود. با نفوذ گسترده منافقین و ترور روزانه مسئولین در اقصی نقاط کشور، از رده امام جمعه یک شهرستان و بخشدار آن تا رئیس قوه قضائیه، رئیس جمهور، نخست‌وزیر و نماینده مجلس، ذره‌ای در ارتباط مردمی آن‌ها و بودن در محل خدمت تأثیر نگذاشت.

ترور امام شهید ما در مسجد در حین سخنرانی گواه آن است. بعد از واقعه ۷ تیر، نگذاشتند یک روز مجلس تعطیل شود، چون بار حفظ انقلاب به دوش مردم بود. الزام این نوع حکومت، اتصال دائم بین مسئولین و مردم بود. دریافت مرتب نظرات آنان و عمل به آن و آنان را در جریان امور گذاشتن.

حال، الان اولویت چیست؟ حفظ جان مسئولین یا حفظ معیشت مردم و انتظام امور؟ اگر امنیتی بودن فضا باعث تعطیلی یا نیمه تعطیلی جریان اجرایی و نظارتی کشور شود، علائم عدم استحکام، تصمیم‌گیری نابهنگام، عدم اجماع کارشناسی برای تصمیمات به دلیل عدم برگزاری جلسات، اقدامات فردی و عدم نظارت و پاسخگویی مؤثر، باعث صدمه به معیشت مردم و نتیجه بحران امنیت در داخل شود، این سؤال پیش می‌آید که سوء قصد احتمالی به اشخاص باید مهم باشد یا خدمت مؤثر به مردم؟ رفتار مسئولین انقلاب اسلامی در ابتدای دهه ۶۰ به ما آموخت که تهدیدات روزانه به جان مسئولین وقت باعث نشد برای دقیقه‌ای خدمت و محل خدمت تعطیل شود. حضور مسئولان طراز اول در اجتماعات مردمی کار درستی است.

اما لازم است سازمانها بیشتر از قبل در این موقعیت جنگی دو صد چندان تلاش کنند و در میدان خدمت به مردم حاضر باشند.

شهید رئیسی چگونه رفتار می‌کرد؟ درس بگیریم!

### خبر کوتاه

## آیت‌الله قمی: رهبر معظم انقلاب در سلامت کامل هستند

معاون امور بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، در گفتاری به شبهه افکنی‌های دشمن درباره وضعیت سلامت حضرت آیت‌الله‌عظمی‌مجتبی خامنه‌ای اشاره کرد و گفت: این سوال‌ها و طرح غیبت ایشان در برخی محافل، ترفندی از سوی دشمن است تا با طرح چراهایی مانند علت عدم حضور یا ارسال پیام صوتی و تصویری، ما را به واکنش‌های نادرست وادارد و به هدف خود برسد.

وی افزود: در شرایط کنونی، مهمترین مسئله کمک به حفظ جان مقام معظم رهبری است که حجت خداوند است. علیرغم مجروحیتی که ایشان در حادثه حمله به بیت رهبری متحمل شدند، خداوند متعال ایشان را به عنوان ذخیره شیعه حفظ کرد؛ چراکه ایشان چند دقیقه پیش از انفجار به مناسبت کاری در حیاط حضور یافتند و همین امر موجب نجاتشان شد. معاون امور بین‌الملل دفتر رهبری تأکید کرد: اکنون حضرت آیت‌الله‌عظمی‌مجتبی خامنه‌ای از سلامت کامل برخوردارند و مشغول تدبیر امور کشور، از جمله مسائل مذاکرات و مدیریت میدان، با نظارت مستقیم خود ایشان است. اخیراً نیز تذکراتی به هیئت مذاکره‌کننده داده‌اند و بر این امور اشراف کامل دارند.

عدد خبر

۶

میانگین قیمت بنزین در سراسر آمریکا روز گذشته (جمعه) به ۴ دلار و ۴۲ سنت برای هر گالون (۳۰.۷۸ لیتر) رسید. این یعنی شهروندان آمریکایی برای هر لیتر بنزین باید یک دلار و ۱۷ سنت پرداخت کنند. این عدد، بالاترین رقم طی سه سال و ۹ ماه اخیر است. ایالت کالیفرنیا با ۶ دلار و ۴۲ سنت، گران‌ترین بنزین را در بین تمام ایالت‌های آمریکا دارد که یک رکورد تاریخی محسوب می‌شود. بالاترین قیمت بنزین در آمریکا مربوط به ۴ سال پیش و در نتیجه جنگ روسیه و اوکراین ثبت شد؛ زمانی که هر گالون بنزین در آمریکا به ۵ دلار و ۳۲ سنت رسید. قیمت فعلی تنها ۶۱ سنت با رکورد تاریخی فاصله دارد.

عدد خبر

۱۱۶

بر اساس داده‌های سایت اوایل پرایس، قیمت انواع نفت ایران در روز پنجشنبه هفته گذشته بیش از یک درصد افزایش یافت. قیمت هر بشکه نفت سبک ایران برای تحویل در منطقه شمال غربی اروپا به ۱۱۵.۱۸ دلار رسید. نفت سنگین ایران و نفت فروزان نیز به ترتیب ۱۱۳.۲۸ و ۱۱۳.۵۳ دلار در این منطقه معامله شدند. در منطقه مدیترانه نیز نفت سبک ایران ۱۱۴.۵۳ دلار و نفت سنگین با ۱۱۲.۳۸ دلار ثبت شد. نفت فروزان نیز ۱۱۲.۶۳ دلار برای هر بشکه قیمت‌گذاری شده است. قیمت هر بشکه نفت سبک ایران در بندر سیدی کریر مصر نیز به ۱۱۶.۴۳ دلار رسید. نفت سنگین ایران در این منطقه ۱۱۴.۲۸ دلار و نفت فروزان ۱۱۴.۵۳ دلار در هر بشکه اعلام شده است.

عدد خبر

۱۳.۶

تورم عمده فروشی پاکستان در ماه آوریل ۲۰۲۶ به ۱۳.۶ درصد رسید که نسبت به ۶.۷ درصد در مارس، جهشی دو برابری را نشان می‌دهد. این شاخص در ماه پیش از جنگ تنها ۱.۱ درصد بود. تورم اکثر کالاهای قابل حمل تقریباً دو برابر شد و از ۲۱.۴ درصد در مارس به ۴۰ درصد در آوریل رسید. تورم سالانه مصرف‌کننده نیز در آوریل به شدت افزایش یافت و از ۷.۳ درصد در مارس به ۱۰.۹ درصد رسید. این رقم بسیار بالاتر از هدف بانک مرکزی پاکستان (۷ تا ۷ درصد) و نزدیک به بالاترین سطح از سال ۲۰۲۴ است. این آمار نشان می‌دهد اقتصاد پاکستان تحت فشار فزاینده ناشی از افزایش هزینه‌های انرژی پس از جنگ در خاورمیانه قرار دارد.

عدد خبر

۳۵

روزنامه گاردین به نقل از مؤسسه ملی تحقیقات اقتصادی و اجتماعی انگلیس گزارش داد که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران تاکنون ۳۵ میلیارد پوند به اقتصاد انگلیس خسارت وارد کرده و این کشور را در آستانه رکود قرار داده است. افزایش قیمت جهانی انرژی، هزینه‌های خانوار و کسب‌وکارها را بالا برده و فشارهای تورمی را تشدید کرده است. این مؤسسه اعلام کرد رشد اقتصادی انگلیس در سال ۲۰۲۶ تنها ۰.۹ درصد خواهد بود که نسبت به پیش‌بینی‌های پیشین، ۰.۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. اگر قیمت نفت به ۱۴۰ دلار در هر بشکه برسد، اقتصاد انگلیس در نیمه دوم سال جاری میلادی مستقیماً وارد رکود خواهد شد. در این حالت، تورم ممکن است از ۵ درصد عبور کند.

نوبت یادگارش می‌دهد؛

## نسخه ایران برای شکست محاصره آمریکا

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در روز یکشنبه، ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ در صفحه شخصی خود از آغاز محاصره دریایی ایران توسط نیروی دریایی این کشور خبر داد؛ محاصره‌ای که از عصر روز دوشنبه (۲۴ فروردین ۱۴۰۵) اجرایی شد. تحلیل کارشناسان و اظهارات مقامات آمریکایی نشان می‌دهد هدف واشنگتن از این اقدام، تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران برای واداشتن تهران به تسلیم در برابر خواسته‌های ایالات متحده است. وال استریت ژورنال نیز گزارش داد که دونالد ترامپ دستور آماده‌سازی برای یک محاصره بلندمدت را صادر کرده است. هدف اصلی ترامپ از این اقدام، «ضربه زدن به منابع مالی ایران» به منظور عقب‌نشینی تهران در برنامه هسته‌ای است.

نیاز کشور موثر باشند. در کنار این اقدامات، استفاده از راهبرد «ترانشیپ» نیز برای خنثی کردن محاصره دریایی آمریکا مورد تأکید کارشناسان است. ترانشیپ به معنای ارسال محموله به یک مقصد میانی و انتقال مجدد آن به مقصد اصلی است. کامیاب اعتمادی، رئیس کمیته کانتینری انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران، با بیان اینکه ۴۰ درصد تجارت ایران قابل انتقال به مسیرهای زمینی و کریدوری است، گفت: مشکل اصلی این است که کشتی‌های تجاری از بنادر امارات وارد ایران نمی‌شوند؛ لذا انتقال کالاها از بنادر امارات به سایر بنادر همچون حمد (قطر)، صحرار و مسقط (عمان) به عنوان گزینه‌های جایگزین در دستور کار است. وی افزود: خوشبختانه پاکستان در موضوع ترانزیت از کراچی به مرزهای شرقی کمک کرده است؛ اکنون باید در مرزهای غربی، یعنی عراق و ترکیه نیز سیاست فعالی در حوزه حمل‌ونقل اتخاذ کنیم.

کانتینری از کشورهای ثالث از طریق قلمرو پاکستان به مقصد ایران مجاز اعلام شده است. در این سند، ۶ کریدور راهبردی از مبدأ بنادر گوادر، کراچی و قاسم به مقاصد مرزی تفتان و گبد تعیین شده است.

### ایجاد کریدورهای جدید

یک مقام سازمان توسعه تجارت ایران نیز از طراحی ۶ کریدور جدید زمینی برای جایگزینی با مسیرهای دریایی خبر داد. سید علی امامی، مدیرکل دفتر آمد و پشتیبانی سازمان توسعه تجارت ایران، گفت: امیدواریم تجارت در این مسیرها را به‌زودی آغاز کنیم. به گفته او، ایجاد مسیرهای کریدوری جدید «شمال-جنوب» و «شرق-غرب» با جدیت دنبال می‌شود. وی همچنین به تلاش‌ها و رایزنی‌ها با کشورها و شرکت‌های حمل‌ونقل به منظور کاهش هزینه و زمان استفاده از مسیرهای جایگزین اشاره کرد. در کنار تعریف مسیرهای تجاری جدید، افزایش تها‌ت با همسایگان از طریق مرزهای زمینی و دریایی شمال کشور نیز با هدف خنثی‌سازی محاصره دریایی آمریکا در دستور کار قرار گرفته و بخش خصوصی در این زمینه فعال شده است. در همین راستا، یحیی آل اسحاق، رئیس اتاق مشترک ایران و عراق، از استقرار نظام تها‌ت کالای و خدمات میان دو کشور و افزایش فعالیت این مکانیسم خبر داد.

محمد حسین عزیز، رئیس انجمن علوم و صنایع غذایی ایران، نیز در این رابطه اظهار کرد: ایران در واردات و صادرات تنها به مرزهای جنوبی وابسته نیست. او افزود: بنادر امیرآباد، نوشهر، فریدون‌کنار، انزلی و آستارا از مسیرهای مهم تجاری کشور به شمار می‌روند و می‌توانند در جابه‌جایی کالا، به‌ویژه کالاهای اساسی و مواد غذایی، نقش مؤثری ایفا کنند. همچنین مرزهای زمینی با پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، عراق و ترکیه، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تسهیل تجارت دارند. این بنادر و مرزها می‌توانند در تأمین کالاهای مورد



حمید کمار

روزنامه‌نگار



### صادرات نفت ایران کم نشد

(تکرارگر) اعلام کرد: میزان صادرات نفت ایران در ماه آوریل ۲۰۲۶ نیز در حال رسیدن به سطح ماه مارس است. ایران در ماه مارس، همان ماهی که ائتلاف آمریکایی‌صهیونیستی حمله به ایران را آغاز کرد، ۱.۸ میلیون بشکه نفت صادر کرد و میزان صادرات نفت ایران نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش هم یافته است. بر اساس داده‌های (کپلر) نیز، ایران در ماه مارس به‌طور متوسط ۱.۸۴ میلیون بشکه در روز در ماه آوریل (تا ابتدای اردیبهشت) ۱.۷۱ میلیون بشکه در روز نفت صادر کرده است.

### گزارش کوتاه

## لیلاز: خسارت تسلیم بیشتر از مقاومت است

سعید لیلاز، اقتصاددان، با اشاره به محاصره دریایی ایران و تأثیر آن بر اقتصاد کشور می‌گوید: ایران رنگ قطعی را نخواهد دید، زیرا حتی در سال‌های کم‌باران نیز سالانه ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون تن غذا در کشور تولید شده است. او در یک برنامه تلویزیونی، تأکید کرد: این جنگ قطعاً بر اقتصاد ایران اثر دارد، اما نباید آن را بزرگ‌نمایی کرد. لیلاز تأکید می‌کند که تورم ساختاری و به‌ویژه فساد بانکی؛ از عوامل اصلی شکل‌گیری و رشد تورم هستند؛ از آذرماه ۱۴۰۳ به بعد، موج جدیدی از تورم در اقتصاد ایران آغاز شده است. از این رو، نمی‌توان همه فشارهای اقتصادی را به شرایط جنگی نسبت داد. ما پیش از جنگ ۱۲ روزه نیز با تورم مواجه بوده‌ایم. آنچه نگران‌کننده است، این است که این تورم، به عمد یا به‌سوء، به جنگ نسبت داده شود.

این استاد دانشگاه افزود: بخشی از ساختار اداری دولت همچنان مانند قبل از جنگ باقی مانده است؛ به گونه‌ای که حتی در شرایط فعلی، فرآیند ترخیص کالا از گمرک نیز همانند گذشته انجام می‌شود. وی با بیان اینکه آمریکا یک ایران مستقل را بر نمی‌تابد، اظهار کرد: اگر در ماه‌های آینده نرخ تورم به دلیل جنگ افزایش یابد، مطلقاً جایی برای گریستن، بزرگ‌نمایی، ترسیدن یا ترساندن وجود ندارد. این جنگ بر ما تحمیل شده و ما گریزی از آن نداشته‌ایم و نداریم. هرآنچه در توان داشتیم برای جلوگیری از وقوع جنگ پیشنهاد دادیم، اما از ابتدا مشخص بود که دشمن بنای پذیرش این پیشنهادها را ندارد. دشمن باید به این جمع‌بندی برسد که حریف ایران نمی‌شود. حتی اگر ایران تسلیم شود و تمام اورانیوم غنی شده را به آمریکا ارسال کند، تغییری در معادلات بین‌المللی و روابط دو کشور ایجاد نخواهد شد.

وی ادامه داد: بخش عمده مسائل اقتصادی ایران ناشی از مدیریت داخلی است. وزیرکار اعلام کرد که در ۶۲ روز گذشته ۱۹۲ هزار نفر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند. بخش بخش مهمی از اینها ناشی از قطعی اینترنت بوده، در حالی که این وضعیت قابل بازگشت است، چراکه خودمان آن را به دلایل امنیتی قطع کرده‌ایم. لیلاز تأکید کرد: ما چاره‌ای جز مقاومت نداریم؛ زیرا اگر تسلیم شویم، خسارت تسلیم به مراتب بیشتر از مقاومت است. نمونه این وضعیت عراق است؛ درآمد سرانه هر عراقی از صادرات نفت تا قبل از این جنگ بین ۷ تا ۱۰ برابر ایرانی بوده، اما بیشتر این پول در بانک‌های نیویورک می‌ماند. حتی پول آب آشامیدنی برای نیروهای آمریکایی در عین الانسد، ۵ برابر قیمت تمام‌شده محاسبه می‌شود، بدون کسی در عراق با خبر شود. ۵۰ سال است که امپریالیسم ایران را رها نکرده است. ما برجام را امضا کردیم و به آن پایبند ماندیم، اما در میانه مذاکرات دو بار مورد حمله قرار گرفتیم.

پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت روز کارگر و روز معلم

## صاحبان کسب و کار از تعدیل نیرو اجتناب کنند

بخشی از این پیام تأکید شده است: معلمان مؤثرترین حلقه در نبرد فرهنگی و کارگران مؤثرترین عناصر در نبرد اقتصادی خواهند بود.

حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی روز گذشته به مناسبت روز کارگر و روز معلم پیامی صادر فرمودند. در



هم پشتیبانی قوی‌ای از خود نشان دهند. از جمله باید تعامل خانواده‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در اداره‌ی مدارس و دانشگاه‌ها، بیشتر از پیش فراهم شود، و همچنین باید با اولویت دادن به مصرف کالاهای ساخت داخل کشور از کارگران مولد پشتیبانی نموده و بخصوص صاحبان کسب و کارهای آسیب‌دیده تا حد ممکن از تعدیل نیرو و جداسازی نیروی کار خود، چه در واحدهای تولیدی و چه واحدهای خدماتی اجتناب نمایند و بلکه هر کارگری را به منزله‌ی ثروت آن واحد تولیدی و خدماتی، منظور دارند؛ و البته دولت محترم هم در حد مقدور از این عمل خیرخواهانه حمایت نماید.

ایران عزیز، همچنان که در پی سالیها تلاش در جایگاه یک قدرت نظامی ظاهر شده، ان شاء الله به فضل الهی با ترسیم خطوط هویت ایرانی اسلامی و رسوخ هر چه بیشتر آن در اذهان و نفوس جوانان این کشور به دست مربیان و معلمان، و با اولویت دادن به مصرف کالاهای تولید داخل که نتیجه‌ی تلاش کارگران زحمتکش ایرانی است، مسیر عبور به سوی قله‌های پیشرفت و تعالی را خواهد پیمود، و این البته با دعای خیر و وساطت سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف هر چه سریعتر و بهتر صورت خواهد پذیرفت بآذن‌الله تعالی. والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای  
۱۱/اردیبهشت/۱۴۰۵

تعهد و حسن عمل، گاه آن چنان جایگاهی می‌یابد که شایسته است همچون دست پرمهر معلم و مرئی، بردست توانا و هنرمند او هم بوسه‌ی تشکرو امتنان زده شود. این البته امری است که از دامان اولین مربیان هر کسی یعنی پدر و مادر او و پس از آن از درک محضر معلم قابل تأمین است. اینک که جمهوری اسلامی ایران بعد از بیش از چهل و هفت سال مجاهدت، با تکیه به فضل الهی در نبرد نظامی با دشمنان پیشرفت و تعالی خود، بخشی از توانمندی چشمگیر خود را به جهانیان ثابت کرده است، در مرحله‌ی جهاد اقتصادی و فرهنگی نیز باید آنان را ناامید کرده و شکست دهد. معلمان مؤثرترین حلقه در نبرد فرهنگی و کارگران مؤثرترین عناصر در نبرد اقتصادی خواهند بود؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد که این دو، به منزله‌ی ستون فقرات عرصه‌ی فرهنگ و اقتصاد هستند. از این رو لازم است به اهمیت جایگاه خاص خود و فراتر از یک شغل. که در قبال فعالیت در آن، دستمزدی دریافت می‌شود. بخوبی واقف باشند.

همچنانکه باید به موازات این امر، توجه داشت که تجلیل‌های زبانی سالیانه یا هر چند وقت یکبار گرچه بجا و مناسب است ولی قدرانی از تلاشهای این دو قشر باید عمیق‌تر و عملی‌تر از این حد باشد. بنده تصور می‌کنم همانطور که ملت عزیز ایران با حضور در میادین و خیابانها از نیروهای نظامی کشور خود حمایتی درخور به عمل می‌آورند، شایسته است در یاری کردن معلمان و کارگران

متن کامل پیام به شرح زیر است:  
بسم الله الرحمن الرحيم

دو روز یازدهم و دوازدهم اردیبهشت، روزهایی است که در آن از مقام کارگر و منزلت معلم تقدیر به عمل می‌آید. فارغ از تجلیل زبانی و نمادین که به نوبه‌ی خود کار بجا و صحیحی است، پیشرفت هر کشوری زهین دو بال علم و عمل است. معلم در اولین مرحله‌ی تحقق از این مقصود نقش آفرینی میکند. مسئولیت خطیر آموزش دانش، افزایش مهارت، و بخش مهمی از رشد بینش و قالب‌ریزی هویت نسل آینده برعهده‌ی او است. دانش‌آموزان و دانشجویان و طلبی که در کنار هر معلمی رشد میکنند، در آینده نه چندان دور، مهارت‌های آموخته و دانشهای یادگرفته خود را به کار بسته و ای بسا در خلق و خور رفتار و رفتار خود در انواع عرصه‌ها از محفل گرم خانواده تا محیط کار و کوچه و خیابان چون آینه‌ای، نمایش دهنده‌ی رفتارها و گفتارهای معلمان خود خواهند بود.

از سوی دیگر، عرصه‌ی کار، صحنه‌ی وسیعی است به وسعت کشور که از داخل خانه‌ها، ادارات و واحدهای کسب و کار و مساجد گرفته تا مزارع و کارگاهها و کارخانه‌ها و معادن و انواع زیادی از مشاغل خدماتی کشیده میشود. هر چقدر این پهنه‌ی وسیع از دو عنصر سخت‌کوشی و تعهد که از ارکان هر توفیق بزرگی بشمار می‌روند بیشتر بهره‌مند باشد، پیشرفتگی کشور، بیشتر و بهتر تضمین میگردد. میدانیم یک کارگر در پرتو

### درس اقتصاد

## درس سامورایی‌ها به بازارگرهای ایرانی

ارزش ین ژاپن در برابر دلار آمریکا که طی سه ماه منتهی به هفته‌ی اخیر ۵ درصد کاهش یافته و تا اوایل هفته گذشته به بیش از ۱۶۰ ین برای هر دلار تضعیف شده بود، روز جمعه (دیروز) تا ۱۵۵.۵ ین در برابر یک دلار تقویت شد. این اتفاق یک روز پس از آن رخ داد که تویو در بازار ارز مداخله کرد؛ چراکه مقامات پیش‌تر به معامله‌گران درباره فروش ین «هشدار نهایی» داده بودند. براساس تحلیل بلومبرگ از حساب‌های بانک مرکزی، ژاپن روز پنجشنبه هفته گذشته حدود ۳۴.۵ میلیارد دلار در اولین مداخله ارزی خود برای حمایت از ین از ژوئیه ۲۰۲۴ هزینه کرده است.

آسوشی میمورا، مقام ارشد ارزی ژاپن، نیز پیش از این با اشاره به اینکه حرکت‌های «بسیار سفته‌بازانه» در بازار ارز در حال افزایش است، گفته بود که زمان انجام اقدام قاطع نزدیک شده است. وزارت دارایی ژاپن همچنین تهدید به مداخله در بازارهای ارز و نفت کرده بود و روز پنجشنبه هفته گذشته بار دیگر اعلام کرد که اقدام می‌تواند در همه جبهه‌ها انجام شود. میمورا به خبرنگاران گفت: «این آخرین هشدار ما به بازارهاست.» وقتی از او پرسیده شد که آیا به احتمال مداخله قریب‌الوقوع برای تقویت ین اشاره می‌کند، پاسخ داد: «فکر می‌کنم بازیگران بازار می‌دانند منظور من چیست.» ساتسوکی کاتایاما، وزیر دارایی ژاپن، هم گفت زمان انجام «اقدامات قاطع» در بازار نزدیک است و این، قوی‌ترین سیگنال او مبنی بر مداخله ارزی بالقوه برای جلوگیری از کاهش ارزش ین محسوب می‌شود.

اگرچه وزارت دارایی ژاپن به‌طور رسمی مداخله را تأیید نکرده است، اما حرکت شدید و ناگهانی بازار باعث شده معامله‌گران این اقدام را به حمایت دولت نسبت دهند. در حالی که شکاف گسترده نرخ بهره بین آمریکا و ژاپن برای مدت طولانی به عنوان یک عامل کلیدی در پس تضعیف ین مطرح بوده، افزایش اخیر قیمت نفت به دلیل تنش‌های خاورمیانه و جنگ ایران، به عنوان یکی دیگر از محرک‌های مهم تضعیف ارزش ین تلقی می‌شود. ژاپن به عنوان یک واردکننده اصلی انرژی، به شدت در معرض نوسانات قیمت نفت خام قرار دارد؛ موضوعی که مستقیماً بر تراز تجاری و پول ملی این کشور اثر می‌گذارد.

به گزارش نوبت، اقدام قاطع ژاپن برای حمایت از ارزش پول ملی این کشور، درست برخلاف تبلیغاتی است که عده‌ای در ایران با عناوینی چون «بازارگرایی» و «بازار آزاد» آن را نادرست می‌خوانند. با این حال، نگاهی به برخی تصمیمات تجاری در کشور نشان می‌دهد که این اقدامات در راستای عمق بخشی به بازار آزاد غیررسمی ارز و افزایش تقاضا در آن است؛ امری که خود محرکی برای افزایش قیمت دلار و افت ارزش ریال محسوب می‌شود. طبق نامه سازمان توسعه تجارت ایران به گمرک، دولت ثبت سفارش کالاهای ضروری شامل مواد اولیه و ماشین‌آلات مورد نیاز خطوط تولید را بدون انتقال ارز حذف کرد. در همین راستا، مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین، با اشاره به یکی از بخشنامه‌های سازمان توسعه تجارت ایران، در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «آقایان به جای تمرکز بر جیره‌بندی ارزی و تعیین اولویت‌ها، هر روز یک لیست جدید ارائه می‌دهند و دامنه واردات بدون انتقال ارز (که در واقع خرید از بازار آزاد است) را وسیع‌تر می‌کنند.»

### خبر

## بازار نفت از خواب بیدار می‌شود؟

اکنون می‌توانیم در تازه‌ترین تحلیل خود نوشت: بازار نفت هنوز در خواب به سر می‌برد و قیمت‌ها به اندازه کافی رشد نکرده‌اند. برای جریان ۱۴ میلیون بشکه کاهش عرضه ناشی از جنگ ایران، قیمت نفت برنت باید از مرز ۱۵۰ دلار در هر بشکه عبور می‌کند. اکنون می‌توانیم تأکید کرد: معامله‌گران تا همین اواخر (۱۷ آوریل برابر با ۲۸ فروردین) قیمت را زیر ۹۰ دلار نگه داشته بودند، گویا هنوز شدت بحران را درک نکرده بودند. حالا با تشدید تنش‌ها و رسیدن قیمت به ۱۲۰ دلار، تا حدودی بیدار شده‌اند، اما بحران قرار است بدتر هم شود.

حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز نفت تقریباً معادل کل تولید روزانه روسیه یا مجموع تولید عربستان و امارات است. در شرایط عادی، چنین کاهش عظیمی در عرضه، قیمت نفت را به سرعت به بالای ۲۰۰ دلار می‌رساند، اما فعلاً بازار هنوز به‌طور کامل واکنش نشان نداده است. اکنون می‌توانیم تأکید کرد: ذخایر آمریکا و برخی کشورهای کاهش تقاضای چین به دلیل مشکلات اقتصادی داخلی و امیدواری‌های زود هنگام به آتش‌بس و مذاکرات صلح را عامل واکنش ناقص بازار اعلام و تأکید کرد: این عوامل موقتی هستند.

چین به‌زودی از رکود خارج می‌شود و اگر مذاکرات صلح شکست بخورد، قیمت نفت جهشی انفجاری خواهد داشت. اگر تنگه هرمز تا پایان سال بسته بماند، قیمت نفت از ۲۰۰ دلار هم فراتر خواهد رفت و جهان را با رکود تومی عمیق‌تری نسبت به دهه ۱۹۷۰ مواجه خواهد کرد. تنها سؤال این است که چه کسی زودتر بیدار می‌شود: معامله‌گران نفت یا سیاستمداران واشنگتن؟



## بین الملل

## واهمه سناتور آمریکایی از پیام اخیر رهبر معظم انقلاب

پس از پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به مناسبت روز خلیج فارس و تاکید ایشان بر نظم جدید منطقه ای و ورود ایران به مرحله مدیریت تنگه هرمز، برخی سیاستمداران آمریکایی دچار واهمه از قدرت ایران شدند. به عنوان نمونه کریس کوزنر، سناتور آمریکایی در گفت‌وگویی با سی‌ان‌ان گفت: آنچه پیام جدید رهبر ایران نشان می‌دهد این است که آنها حالا می‌دانند اهرم فشار جدیدی در اختیار دارند: توانایی بستن تنگه هرمز و تاثیرگذاری بر اقتصاد جهان ...

وی افزود: رهبر ایران دونالد ترامپ را تهدید می‌کند. او می‌داند که ما توانایی تحمل ماه‌ها و شاید سال‌ها، افزایش سرسام‌آور قیمت نفت و سایر هزینه‌هایی که بسته شدن تنگه هرمز تحمیل می‌کند را نداریم. وقت برنامه‌ریزی بهاری است. قیمت کودهای شیمیایی در حال افزایش است. هلیوم برای تولید نیمه‌رساناها ضروری است. آن هم به‌طور حیاتی از تنگه هرمز عبور می‌کند.

سناتور آمریکایی ادامه داد: آیت‌الله (رهبر انقلاب اسلامی) دارد قدرت خود را به رخ می‌کشد. با وجود اینکه رئیس‌جمهور ترامپ فکر می‌کند آنها شکست خورده‌اند و این جنگ را تمام‌شده و یک پیروزی نظامی اعلام می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای روشن می‌سازد که ایران قصد مقاومت دارد. صادقانه بگویم، این که آنها مصمم به ادامه مقاومت هستند، جای هشدار دارد، اما به‌طور کلی غیرمنتظره نیست.



## یادداشت

## انتخابات؛

## کابوس جدید نتانیاهو

محسن پوردادفر  
روزنامه‌نگار

تحولات سیاسی در سرزمین‌های اشغالی، بیش از هر زمان دیگری از فرسایش شدید موقعیت نتانیاهو حکایت دارد. نخست‌وزیری جعلی و کودک‌کشی که امروز نه تنها با اعتراضات خیابانی و بحران مشروعیت دست‌به‌گریبان است، بلکه حتی در اردوگاه سنتی خود نیز با ریزش محسوس آرم‌ها مواجه شده است. تازه‌ترین نظرسنجی‌ها، که در رسانه‌های عبری بازتاب گسترده‌ای یافته، نشان می‌دهد راهبرد مخالفان برای کنار زدن نتانیاهو از همیشه جدی‌تر و عملی‌تر شده است.

بر اساس این نظرسنجی‌ها، تنها سناریویی که می‌تواند به‌طور قطعی سلطه حزب لیکود را درهم بشکند، تشکیل یک ائتلاف فراگیر میان چهره‌های اصلی اپوزیسیون است؛ ائتلافی متشکل از نفتالی بنت، یائیر لاپید، گادی آیزنکوت و لیبرمن. نکته قابل توجه آن است که چنین ائتلافی نه فقط آرای مخالفان سنتی، بلکه بخشی از رای دهندگان خود لیکود را نیز جذب خواهد کرد؛ موضوعی که برای نتانیاهو یک زنگ خطر واقعی خواهد بود. چرا که برکناری از قدرت یعنی این جنایتکار دیگر توان راه انداختن جنگ و تجاوز نخواهد داشت و مجبور به حضور در دادگاه برای محاکمه در پی فسادهایش خواهد شد.

این داده‌ها از یک حقیقت مهم پرده برمی‌دارد: بحران نتانیاهو دیگر محدود به مخالفان چپ یا میانه نیست. شکست‌های امنیتی، طولانی شدن جنگ، تلفات سنگین و ناتوانی در تحقق اهداف اعلامی، حتی بخشی از پایگاه سنتی راست‌گرای او را نیز دلسرد کرده است. به بیان دیگر، نتانیاهو امروز از درون اردوگاه خود نیز تحت فشار قرار دارد.

وحشت اردوگاه حاکم را می‌توان در حملات فزاینده آن به نهاد‌های رژیم مشاهده کرد. کمیته مرکزی انتخابات، که همواره یکی از ارکان انتخاباتی در رژیم جعلی بوده، اکنون به آماج حملات متحدان نتانیاهو تبدیل شده است. این حملات، بیش از آنکه یک اختلاف حقوقی باشد، نشانه هراس از شکستی است که روزه‌روز محتمل‌تر می‌شود. تجربه ترامپ در آمریکا نیز به خوبی نشان داد که جریان‌های پوپولیست، هنگامی که بوی شکست را احساس می‌کنند، نخستین هدف خود را نهاد‌های انتخاباتی قرار می‌دهند.

در همین حال، پرونده موسوم به «فترگیت» به یکی از دزدسرای بزرگ نتانیاهو تبدیل شده است. ماجرا از آنجا آغاز شد که رسانه‌های عبری از ارتباط برخی مشاوران نزدیک نخست‌وزیر با محافل سیاسی و رسانه‌ای مرتبط با قطر پرده برداشتند. بر اساس این گزارش‌ها، افرادی از حلقه داخلی نتانیاهو متهم شده‌اند که هم‌زمان با حضور در حساس‌ترین سطوح تصمیم‌گیری، در راستای منافع دوحه نیز فعالیت کرده یا پیام‌های آن را منتقل می‌کرده‌اند. برای رژیمی که همواره ادعای حساسیت امنیتی دارد، چنین شائبه‌ای چیزی کمتر از یک زلزله سیاسی نیست. به‌ویژه آنکه قطر به دلیل روابط پیچیده با حماس، در افکار عمومی اسرائیل بازبگری دوگانه تلقی می‌شود. از همین رو، «فترگیت» نه فقط یک پرونده مالی یا رسانه‌ای، بلکه ضربه‌ای مستقیم به مهم‌ترین سرمایه سیاسی نتانیاهو، یعنی تصویر او به عنوان حافظ امنیت مردم غاصب رژیم، محسوب می‌شود.

افشاری‌ها درباره این پرونده، شکاف میان نخبگان سیاسی و امنیتی رژیم را عمیق‌تر کرده است. رسانه‌های حامی نتانیاهو تلاش می‌کنند با عملیات روانی، ابعاد آن را کوچک جلوه دهند، اما واقعیت آن است که هر افشاری تازه، ضربه‌ای دیگر به اعتبار منززل او وارد می‌کند.

در سوی دیگر، مخالفان نتانیاهو به خوبی دریافته‌اند که پراکندگی، تنها عامل بقای اوست. به همین دلیل، ایده تشکیل یک فهرست واحد به محور اصلی تحرکات سیاسی تبدیل شده است. اگر این ائتلاف شکل بگیرد، احتمال شکست نتانیاهو به شدت افزایش خواهد یافت. نتانیاهو اکنون در دشوارترین موقعیت سیاسی عمر خود قرار دارد. ائتلاف مخالفان، ریزش آرای لیکود، حمله به نهاد‌های انتخاباتی و رسوایی «فترگیت»، همگی نشانه‌های یک افول‌اند. آنچه امروز در سرزمین‌های اشغالی جریان دارد، صرفاً یک رقابت انتخاباتی نیست؛ بلکه نشانه آغاز پایان دوران مردی است که شکست را هرگز این اندازه نزدیک ندیده بود.

فضای متشنج در جلسه استماع کنگره آمریکا

مچ‌گیری سنگین  
کنگره از هگست

در جلسه‌ای پرتنش در کنگره آمریکا، «پیت هگست» وزیر جنگ دولت ترامپ با موجی از پرسش‌های انتقادی نمایندگان دو حزب درباره سیاست‌های نظامی واشنگتن در قبال ایران روبه‌رو شد؛ جلسه‌ای که به سرعت به جدالی سیاسی بر سر تناقض‌های روایت رسمی دولت از اهداف و نتایج این عملیات تبدیل شد.

علیه ایران، این سخنان را مصداق آشکار نقض کنوانسیون‌های ژنو دانست و گفت: «آیا شما بردستوراتی که می‌تواند جنایت جنگی تلقی شود اصرار دارید؟» هگست نیز در پاسخ کوتاه و مبهمی گفت: «وزارت جنگ برای پیروزی می‌جنگد»؛ پاسخی که موجی از انتقادات جدید را به همراه داشت.

از سوی دیگر، «سناتور جک رید» نیز در سخنانی تند، وزیر جنگ را به ناتوانی در تحقق اهداف استراتژیک متهم کرد و گفت: «نه تغییر رژیم رخ داده، نه برنامه هسته‌ای ایران متوقف شده و نه ادعای نابودی زیرساخت‌های نظامی ایران صحت دارد.» وی همچنین به پیامدهای منطقه‌ای جنگ اشاره کرد و گفت: «تنگه هرمز که پیش‌تر مسیر بازرگانی جهانی بود، امروز با بحران امنیتی روبه‌روست.»

وی ادامه داد: جنگ اخیر با ایران تاکنون ۱۳ کشته و بیش از ۴۰۰ زخمی در میان نیروهای آمریکایی برجای گذاشته، ده‌ها هواپیما و تجهیزات نظامی آسیب دیده و ذخایر موشکی آمریکا نیز به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. همچنین افزایش قیمت جهانی انرژی و فشار اقتصادی بر خانواده‌های آمریکایی، از دیگر پیامدهای این درگیری عنوان شد.

در مقابل این انتقادات، هگست تلاش کرد با تکرار این ادعا که «عملیات نظامی ایران را به شدت تضعیف کرده» از عملکرد دولت دفاع کند، اما فضای کلی جلسه نشان داد که شکاف عمیقی میان روایت رسمی کاخ سفید و واقعیت‌های میدانی در حال شکل‌گیری است؛ شکافی که حتی در درون ساختار سیاسی آمریکا نیز به موضوعی مناقشه‌برانگیز تبدیل شده است.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

در پی حضور «پیت هگست» وزیر جنگ دولت ترامپ در جلسه پرتنش کنگره آمریکا، صحنه سیاسی واشنگتن بار دیگر شاهد جدال‌های تند و بی‌سابقه‌ای میان نمایندگان دو حزب اصلی این کشور بود؛ جدالی که بیش از هر چیز، از شکست روایت رسمی دولت درباره جنگ با ایران و پیامدهای فاجعه‌بار آن پرده برداشت. هگست که با هدف دفاع از عملکرد نظامی دولت ترامپ و توجیه اقدامات اخیر در قبال ایران به کنگره آمده بود، از همان ابتدا با پرسش‌های چالشی نمایندگان روبه‌رو شد. او تلاش کرد با ادبیاتی آمیخته به شعاری کلی‌گویی، عملیات نظامی را «موفق» و «بازدارنده» توصیف کند. اما فضای جلسه به سرعت علیه او تغییر کرد و بسیاری از اعضای کنگره، سخنانش را فاقد واقعیت‌های میدانی دانستند.

انسجام و دور از واقعیت‌های میدانی دانستند.

در یکی از جدی‌ترین لحظات جلسه، «اسمیت» نماینده کنگره با اشاره به تناقض در سخنان وزیر جنگ گفت: «شما پیش‌تر اعلام کردید که ما مجبور به آغاز جنگ بودیم چون ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای قرار داشت و این تهدیدی قریب‌الوقوع بود. حال امروز ادعا می‌کنید همان تهدید کاملاً نابود شده است؛ این دوروایت چگونه با هم قابل جمع است؟» این سؤال صریح، برای لحظاتی هگست را در سکوت فروبرد و نشانه‌های آشکار ناتوانی در پاسخ‌گویی در چهره او نمایان شد. وی در نهایت تنها به تکرار برخی جملات کلی درباره «موفقیت عملیات» بسنده کرد؛ پاسخی که از سوی اسمیت نیز «غیرواقعی و غیرقابل اتکا» توصیف شد.

در ادامه جلسه، موضوع حمله به مدرسه‌ای در میناب و شهدات بیش از ۱۶۰ کودک، فضای کنگره را به شدت ملتهب کرد. «خان» نماینده کنگره، با انتقاد از این حمله گفت: «هزینه این اقدام نظامی برای مالیات‌دهندگان آمریکایی چقدر بوده و چه دستاوردی داشته است؟» هگست در پاسخ مدعی شد که «آن وضعیت تأسف بار در دست بررسی است» و از ارائه هرگونه برآورد مالی یا پذیرش مسئولیت مستقیم خودداری کرد.

تنش‌ها زمانی شدت گرفت که «مولتون» دیگر نماینده کنگره، با اشاره به اظهارات پیشین وزیر جنگ مبنی بر «عدم امان»

روایت قدرت ایران در پیام رهبرانقلاب به مناسبت روز خلیج فارس

## مانیفست اقتدار ایران

پیام روز خلیج فارس بیانیه‌ای بود که هم‌زمان هشدار نظامی، راهبرد سیاسی و ترسیم خطوط قرمز را در خود جمع کرده است. آنجا که از جایگاه ناوهای آمریکایی در «قعر خلیج فارس» سخن

گفته شد، پیام ایران از سطح بازدارندگی عبور کرد و به سطح تعیین قواعد بازی رسید. علاوه بر آن نکاتی در این پیام مطرح شد که در چارچوب بازدارندگی قابل تامل است.



محسن فرهنگمند  
روزنامه‌نگار

داده است. بنابراین، وقتی مرزهای دانش (از هسته‌ای تا فناوری‌های پیشرفته) در حکم «تمامیت ارضی نامرئی» تلقی می‌شود، هرگونه مذاکره بر سر آن، به معنای باز کردن در نفوذ و وابستگی است.

بر همین اساس، بیان صریح این موضوع در پیام، عملاً حجت را بر همگان تمام کرد و مسئله هسته‌ای و به طور کلی توان علمی و فناوریانه کشور، موضوع مذاکره نیست. این گزاره، یک راهبرد تثبیت شده است که مسیر آینده دیپلماسی را نیز تعیین می‌کند. به بیان دیگر، هرگونه تلاش برای کشاندن ایران به معامله بر سر این حوزه‌ها، از پیش شکست خورده است.

در کنار این، تأکید بر «برانگیختگی معجزه‌گون ملت ایران» نشان دهنده آن است که این خطوط قرمز، صرفاً تصمیم حاکمیتی نیست، بلکه به یک باور عمومی و سرمایه اجتماعی تبدیل شده است. امروز، ده‌ها میلیون ایرانی در داخل و خارج، تمامی ظرفیت‌های علمی، صنعتی و فناوریانه کشور (از نانو و بیو تا هسته‌ای و موشکی) را بخشی از هویت ملی خود می‌دانند و از آن پاسداری می‌کنند.

از سوی دیگر، تأکید بر مدیریت تنگه هرمز، بُعد عملیاتی این راهبرد را تکمیل می‌کند. این پیام به روشنی نشان می‌دهد که ایران نه تنها در حوزه دانش، بلکه در عرصه ژئوپلیتیک نیز آماده بازتعریف قواعد است.

مدیریت این گذرگاه حیاتی، به معنای تثبیت نقش ایران به عنوان تأمین‌کننده امنیت منطقه و در عین حال، خنثی‌سازی ابزارهای فشار دشمن است. در این میان، یک واقعیت سخت و انکارناپذیر وجود دارد که حتی در محاسبات اذهان راهبردی آمریکا و افرادی همچون ریچارد نفیو معمار تحریم‌های ایران در زمان اوپاما به عنوان یک گره لاینحل شناخته می‌شود: حاکمیت ایران بر تنگه هرمز. برخلاف ساده‌سازی‌های سطحی مجمع کون‌های اطراف ترامپ، تحلیلگران جدی به خوبی دریافته‌اند که این مسئله نه با تحریم قابل مهار است و نه با ابزار نظامی قابل حل؛ چرا که هرمز صرفاً یک گذرگاه نیست، بلکه نقطه تلاقی ژئوپلیتیک، اقتصاد جهانی و بازدارندگی چندلایه ایران است. هر سناریوی تقابل مستقیم، به جای تغییر معادله، به انفجار هزینه‌ها و بی‌ثباتی گسترده در منجر می‌شود؛ و دقیقاً به همین دلیل است که حتی در ادبیات تحریمی غرب نیز، «فشار فرسایشی» جایگزین «درگیری مستقیم» شده است.

در مجموع، آنچه در این پیام برجسته می‌شود، ترکیب هوشمندانه «اقتدار علمی» و «برتری ژئوپلیتیک» است؛ ترکیبی که معادلات سنتی فشار و تهدید را بی‌اثر می‌کند و ایران را از موقعیت واکنش‌گر به جایگاه کنشگر اصلی ارتقا می‌دهد.

## یادداشت

## ترامپ به دنبال

## حماقت دوم در جنگ است

امیر شهشهانی  
روزنامه‌نگار

آنچه امروز جریان دارد، هیچ نسبتی با روایت‌های ساده‌سازی شده‌ای که از سوی ترامپ درباره «محاصره دریایی» به عنوان راهبرد اصلی تسلیم ایران مطرح می‌شود، ندارد. حجم جابه‌جایی‌های نظامی آمریکا، ارسال گسترده سلاح به اسرائیل، تقویت پدافند هوایی در امارات با مشارکت مستقیم تل‌آویو و افزایش محسوس ناوگان دریایی آمریکا در دریای عرب و مدیترانه شرقی، همگی نشان می‌دهد که پشت این ادبیات ظاهراً محدود، یک سناریوی خطرناک‌تر در حال شکل‌گیری است. سناریویی که بیش از آنکه محصول محاسبه باشد، ناشی از بی‌تعادلی شخصیتی ترامپ است؛ فردی که به اذعان بسیاری از تحلیلگران آمریکایی، اساساً توان تحمل و هضم جلسات بریفینگ پیچیده نظامی و امنیتی را ندارد و بارها نشان داده افسار تصمیم‌گیری خود را به دست حلقه‌های افراطی و وابسته به اسرائیل می‌سپارد.

در همین چارچوب، اظهارات ریچارد بلومنتال، سناتور دموکرات، در گفت‌وگو با CNN عملاً مهر تأییدی بر این واقعیت است. او با استناد به جلسات توجیهی محرمانه تصریح می‌کند که «حمله‌ای قریب‌الوقوع کاملاً روی میز است»؛ اعترافی که نشان می‌دهد گزینه نظامی نه تنها کنار گذاشته نشده، بلکه به طور جدی در حال پیگیری است. بلومنتال این وضعیت را «عمیقاً نگران‌کننده» توصیف کرده و هشدار داده که چنین اقدامی می‌تواند به تلفات انسانی گسترده در میان نیروهای آمریکایی منجر شود. هم‌زمان، پنتاگون نیز در حال ارائه «گزینه‌های نظامی» به روز شده» به ترامپ است تا پروژه فشار حداکثری را از مسیر جنگ تکمیل کند.

در ضلع دیگر این پروژه، برد کوپر، فرمانده سنتکام، به عنوان یکی از چهره‌های تندرو پنتاگون، نقش محوری ایفا می‌کند. او در حال هدایت ترامپ به سمت یک حمله به اصطلاح «سنگین اما محدود» است؛ حمله‌ای که هدف آن ضربه به زیرساخت‌های حیاتی ایران و هم‌زمان اجرای سناریوهای ترور جدید علیه مسئولان و فرماندهان ایرانی است. اما آنچه این جریان عامدانه نادیده می‌گیرد، این واقعیت است که «حمله محدود» در برابر ایران، یک توهم خطرناک است و هر جرعه‌ای می‌تواند به انفجار یک جنگ بسیار سنگین منجر شود.

با این حال، آنچه در این معادله وجود دارد و باید با صدای بلندتر تکرار شود، قاعده روشن پاسخ ایران است: هر سطح جدیدی از تنش، پاسخی بسیار بزرگ‌تر را به دنبال خواهد داشت. خود ترامپ در هفته‌های اخیر اذعان کرد که از بسته شدن تنگه هرمز غافلگیر شده است؛ در حالی که هیولای کلینتون عنوان کرده است که در تمام ارزیابی‌های دولت‌های مختلف در آمریکا، این سناریو همواره به عنوان یک متغیر قطعی در نظر گرفته می‌شد. این یعنی آنچه برای واشینگتن «غافلگیری» است، در واقع بخشی از دکترین تثبیت شده ایران است.

بر این اساس، اگر ترامپ در یک تصمیم دیوانه‌وار و تحت هدایت کودکان‌هایی همچون هگست و لابی سنگین اسرائیل، گام دوم جنگ را بردارد، باید بداند که این تصمیم نه تنها هیچ نفعی برای آمریکا ندارد، بلکه هزینه‌هایی ویرانگر بر آن تحمیل خواهد کرد. پاسخ ایران می‌تواند به گونه‌ای باشد که تمام چاه‌های نفت و منابع گازی عربستان، امارات، قطر و کویت را از مدار خارج کند؛ ضربه‌ای که نه تنها بازار جهانی انرژی را برای سال‌ها دچار بحران می‌کند، بلکه عملاً بخش مهمی از تولید و صادرات نفت جهان را تا چندین سال غیرقابل جبران خواهد ساخت.

در چنین سناریویی، دیگر سخن از یک بحران مقطعی نیست؛ بلکه پای یک شکست تاریخی در میان است. شکستی که نه تنها دوران ترامپ، بلکه آینده سیاسی چهره‌هایی چون رویو و ونس و حتی کلیت جریان جمهوری خواه را برای سال‌ها و شاید دهه‌ها به حاشیه خواهد راند. این همان واقعیتی است که در اتاق‌های فکر واشینگتن به خوبی درک شده، اما در هیاهوی تصمیمات شتاب‌زده و محاسبات غلط، عامدانه نادیده گرفته می‌شود.

دانش؛ مرزی  
به وسعت یک  
سرزمین

وقتی مرزهای دانش و به خصوص دانش هسته‌ای در منظومه فکری رهبری هم‌تراز با خاک کشور تعریف می‌شود، دیگر مذاکره بر سر آن معنایی جز عقب‌نشینی ندارد. این نگاه، برآمده از تجربه تاریخی و منطق روابط بین‌الملل است؛ جایی که حفظ مؤلفه‌های قدرت، شرط بقا و استقلال است و هرگونه معامله بر سر آن، مسیر نابودی کشور و نظام و آرمان‌های ملت را هموار می‌کند.

## سیاست خارجی

## تایمز: ترامپ دوباره ایران را اشتباه درک کرده است



روزنامه تایمز گزارش داد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اصرار دارد که محاصره دریایی او تهران را مجبور به تسلیم شدن خواهد کرد، اما محاسبات در طرف مقابل کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. روزنامه تایمز افزود که تهران معتقد است که می‌تواند در برابر پیامدهای اقتصادی محاصره مقاومت کند، اما ترامپ نمی‌تواند همچنان افزایش قیمت سوخت داخلی را نادیده بگیرد، زیرا به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره نزدیک می‌شود و از پایین‌ترین میزان محبوبیت در دوره فعلی خود رنج می‌برد. این روزنامه نوشت که نظام ایران معتقد است که ممکن است برای متقاعد کردن ترامپ مبنی بر اینکه اقدام نظامی تنگه هرمز را بازگشایی نمی‌کند یا ایران را مجبور به تسلیم شدن نمی‌کند، به دور دیگری از جنگ نیاز داشته باشد.

تایمز افزود که محتمل‌ترین گزینه ترامپ، همان‌طور که تهدید کرده است، مجموعه‌ای از حملات به زیرساخت‌های ایران و سپس پایان دادن یکجانبه به جنگ با اعلام پیروزی خواهد بود، اما ایرانی‌ها ممکن است این طرح را خنثی کنند. آتلانتیک به نقل از مقام‌های کاخ سفید همچنین اظهار داشت: «توان مقاومت ایران در برابر فشارهای اقتصادی و نظامی قابل توجه بوده و برای واشینگتن غافلگیرکننده است. با این حال، آن‌ها ادعا کرده‌اند که محاصره دریایی و محدودسازی مسیرهای صادراتی می‌تواند فشار جدی بر اقتصاد ایران وارد کند.»

## جای خالی کارگر در سینمای محفلی

ایمان عظیمی  
روزنامه‌نگار

یازدهم اردیبهشت در تقویم، روز کارگر است؛ روزی که رسانه‌ها هر سال آن را در بوق و کرنا می‌کنند و تنها در مورد جنبه ظاهری اش حرف می‌زنند تا برای خالی نبودن عریضه چیزی در چنته حاضر و آماده داشته باشند. سینما نیز به عنوان یک رسانه با وجود طی کردن دوره‌های متعدد در ایران معاصر، هرازگاهی به مسئله و سوژه کارگر پرداخته است، ولی جز موارد معدود و انگشت‌شمار هیچ‌گاه به گنجه زیست بخش قابل توجهی از مردم این سرزمین نزدیک هم نشده است.

دلایل زیادی را می‌توان به صف کرد تا بی‌اعتنایی سینمای ایران به مسئله این قشر را نشان دهد، ولی بهانه نگارنده از نوشتن چنین یادداشتی، توجه و تأکید بر مسئله تحمیل سبک زندگی غربی به تمام جوانب زندگی انسان امروزی ایرانی است. به عبارت دیگر، وقتی نگاه بخش قابل توجهی از ایرانیان به سوی «سبک زندگی» اروپایی و آمریکایی ست پُر واضح است که فیلمساز هم باید برای به چشم آمدن و پُرپول کردن جیب خود به سلیقه و عادات این قشر اهمیت دهد. کارگر هم چون صاحب رسانه نیست و زندگی اش جذابیت ندارد یا به گل از چرخه سینمای ایران خارج می‌شود، یا در بهترین حالت ممکن در حاشیه قرار می‌گیرد.

وقتی دنبال سوژه کارگر در سینمای ایران می‌گردیم به نتایج جالبی دست پیدا می‌کنیم. نخست آن که هر چه از پایان دفاع مقدس هشت ساله فاصله می‌گیریم، اهمیت و نقش مشاغل در پیشبرد داستان کم‌رنگ می‌شود و جنبه بصری و دل‌ربایی‌های دل‌ربای لمپن بورژوازی بیشتر می‌شود، به طوری که ما دیگر نمی‌توانیم به شوق تماشا قصه‌های آدمیزادی به سینما برویم و اندکی در سکوت و آمیبانس صحنه غرق شویم. آثار امروزی سینمای داستانی ما مملو از عشق‌های فست‌فودی و ماجرای خیانت زوج‌ها به یکدیگر است؛ به طوری که اجازه حضور باقی فرمول‌های جذاب مخاطب در این چرخه را به باقی سینماگران مستعد نمی‌دهد و آن‌ها را در این فرایند مسموم، به حاشیه و مغاک سوق می‌دهد.

این در حالی است که فیلم‌های کارگری نظیر «نیاز» و «پچه‌های آسمان» در سال‌های نه‌چندان دور بخشی از بار اقتصادی سینما را به دوش می‌کشیدند و در خط انقلاب ۱۳۵۷ از ارزش‌های ایرانی-اسلامی حرکت می‌کردند.

بازخوانی جایگاه فرهنگی خلیج فارس در تداوم هویت ایرانی-اسلامی

# خلیج فارس و خودآگاهی تاریخی ایرانیان

خلیج فارس بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی ایرانیان است که در طول قرن‌ها شکل گرفته و تداوم یافته است. از اسناد باستانی تا

روایت‌های محلی، این دریا همواره با نام و هویت ایران پیوند خورده و بستری برای تعامل تمدنی بوده است.



محمد قربانی  
روزنامه‌نگار

در دوران معاصر -به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران- این پیوند تاریخی بار دیگر مورد تأکید و بازخوانی قرار گرفته است. به گونه‌ای که خلیج فارس به نمادی از خودآگاهی تاریخی ایرانیان در جهان امروز تبدیل شده است. مسئله‌ای که در پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت روز خلیج فارس نیز مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در پیامشان از خلیج فارس به عنوان موهبت الهی و بخشی از هویت و تمدن ایران-اسلامی یاد کرده‌اند.

خلیج فارس در طول تاریخ، یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری و گسترش فرهنگ ایرانی بوده است. از دوران امپراتوری هخامنشی تا شاهنشاهی ساسانی، این پهنه آبی نقشی کلیدی در ارتباط ایران با جهان پیرامون ایفا می‌کرد. مسیرهای دریایی آن، فراتر از کالا، اندیشه، زبان و هنر را میان سرزمین‌ها جابه‌جا می‌کرد و به شکل‌گیری فضایی پویا و چندلایه از تعاملات فرهنگی می‌انجامید.

در سواحل شمالی خلیج فارس، بنادر تاریخی چون سیراف و هرمز به مراکز مهم دادوستد و تبادل فرهنگی بدل شدند. حضور بازرگانان و دریانوردان از مناطق مختلف، به غنای فرهنگی این نواحی افزود و در عین حال، عناصر هویتی ایرانی را در گستره‌ای فراتر منتشر کرد. در متون جغرافیایی اسلامی نیز، این منطقه همواره با نام خلیج فارس ثبت شده و همین تداوم، نشان‌دهنده استحکام آن در حافظه تاریخی است. چنان‌که جغرافی‌دانانی مانند ابن حوقل و اصطخری از رونق فرهنگی و اقتصادی آن یاد کرده‌اند.

با ورود به دوران معاصر، اگرچه ساختارهای جهانی

دگرگون شد، اما جایگاه فرهنگی خلیج فارس در ذهن ایرانیان همچنان پابرجا ماند. در این میان -همان‌طور که در پیام رهبر معظم انقلاب آمده- انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه‌ای دانست که به بازتعریف این پیوند تاریخی کمک کرد. در فضای پس از انقلاب، توجه به ریشه‌های هویتی و تاریخی -از جمله نام و پیشینه خلیج فارس- بیش از پیش در گفتمان عمومی و فرهنگی برجسته شد. این تأکید، تلاشی برای پیوند دادن گذشته باشد، نوعی بازگشت به حافظه تاریخی و احیای عناصر هویتی بود.

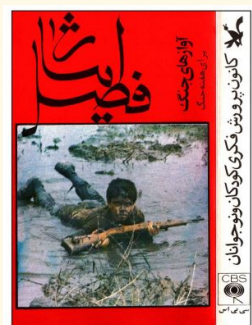
در همین چارچوب، خلیج فارس در آثار فرهنگی، رسانه‌ها و حتی آیین‌های ملی، حضوری پررنگ‌تر یافت. نام‌گذاری «روز ملی خلیج فارس» و توجه به روایت‌های تاریخی مرتبط با آن، نمونه‌ای از این روند است. تلاشی برای پیوند دادن گذشته تاریخی با خودآگاهی معاصر ایران اسلامی که اساساً ضد استعماری است. این روند نشان می‌دهد که چگونه یک عنصر جغرافیایی می‌تواند در دوره‌های مختلف، معانی تازه‌ای پیدا کند، بی آن‌که از ریشه‌های تاریخی خود جدا شود.

در سطح زندگی روزمره نیز، این پیوستگی قابل مشاهده است. فرهنگ بومی سواحل جنوبی ایران -از موسیقی و آیین‌ها گرفته تا زبان و معیشت- همچنان بازتابی از ارتباط دیرینه با دریاست. این عناصر، در کنار بازخوانی‌های معاصر، تصویری چندلایه از خلیج فارس ارائه می‌دهند: هم به عنوان میراثی کهن و هم به عنوان بخشی از هویت زنده امروز.

خلیج فارس را می‌توان نقطه تلاقی گذشته و حال دانست. جایی که تاریخ، فرهنگ و خودآگاهی ایرانیان در آن به هم می‌رسند. نقشی که انقلاب اسلامی در این میان ایفا کرده، بیش از هر چیز، برجسته‌سازی همین تداوم است. تداومی که خلیج فارس را از یک جغرافیا، به یک مفهوم فرهنگی و تمدنی ماندگار تبدیل کرده است.

فارس باعث خلق آثار بی‌یادماندنی در این خصوص شد که بی‌شک، یکی از ماندگارترین آن‌ها «خاک» (خلیج فارس) با صدای «سیامک (محمود علیقلی)» است. علیقلی، در آن حوالی، یعنی در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۰ خواننده سولوی ارکستر سمفونیک تهران بود و این ترانه را در قالب آلبوم «فصل ایثار» اجرا کرد. اثر منتشر و شنیده شد، اما داستان باقی خوانندگان با این ملودی به پایان نرسید. پس از سیامک علیقلی با فاصله زمانی اندک «حمید موگویی» به اجرای خلیج فارس پرداخت و هفت سال بعد، یکی از خوانندگان لس‌آنجلسی هم چنین کرد تا اعتباری برای خودش دست‌وپا کند. اما در نهایت عشق و علاقه این خواننده به ایران توخالی از آب درآمد، چون او حاضر به اجرای قطعه خلیج فارس در کنسرت دویی نشد!

در سال‌های اواخر عمر رژیم پهلوی که شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس سرمست دلارهای نفتی بودند و فکر تصاحب سه جزیره ایرانی و تغییر نام خلیج فارس را در سر می‌پروراندند، مسئله این آبراه راهبردی تبدیل به سوژه‌ای برای خلق ترانه در موسیقی ایران شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز دفاع مقدس، توجه هنرمندان به خلیج



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
آزادی جنگ  
روزنامه‌نگار  
CBS  
سازمان صدا و سیما

## از خاک تا خلیج فارس؛ داستان یک ترانه

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری  
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی  
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲  
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۱

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج  
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline  
nobonyadonline.ir

فرهنگی  
C U L T U R A L

■ شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۲۹

### یادداشت

## صورت‌بندی

## یک هیولای مدرن

سعید قاسمی  
روزنامه‌نگار

مستندی که این روزها با عنوان «شیطانی؛ پرونده‌های آپستین» در فیلمی در دسترس قرار گرفته، تلاشی است برای سردرآوردن از یکی از کثیف‌ترین و پیچیده‌ترین پرونده‌های چند دهه اخیر؛ پرونده‌ای که اگرچه نامش با یک فرد گره خورده، اما ریشه‌های عمیق ساختارهای قدرت و ثروت در جهان غرب امتداد پیدا می‌کند. این مستند ۸۹ دقیقه‌ای که به کارگردانی جاستین استیونز و محصول شبکه ای بی سی است، می‌خواهد از دل شایعات پراکنده و ویدئوهای چندثانیه‌ای فضای مجازی، یک روایت منسجم و قابل اتکا بیرون بکشد.

ماجرای همان ابتدا با چند پرسش ساده اما آزاردهنده شروع می‌شود: آپستین دقیقاً چه کاره بود؟ این ثروت افسانه‌ای از کجا آمد؟ و مهم‌تر از همه، چه شد که سال‌ها توانست در سایه امن روابطش، از چنگ قانون فرار کند؟ مستند، هوشمندانه به جای دادن پاسخ‌های دم‌دستی، این سوال‌ها را به نخ تسبیح روایتش تبدیل می‌کند و مخاطب را قدم به قدم جلو می‌برد.

یکی از برگ‌های برنده کار، استفاده از مصاحبه‌های آرشیوی خود آپستین و در کنار آن، روایت قربانیانی است که سال‌ها صدایشان شنیده نشد. این ترکیب، تصویری می‌سازد که یک «پدیده» را نشان می‌دهد؛ پدیده‌ای که بدون شبکه‌ای از روابط نافذ، اصولاً امکان شکل‌گیری نداشت. گزارش‌های رسانه‌های جریان اصلی غرب هم پیش‌تر به همین نکته اشاره کرده بودند که آپستین تنها یک فرد منحرف نبود، بلکه محصول یک زیست‌بوم آلوده است.

نکته قابل توجه اینجاست که مستند، آگاهانه از افتادن در دام هیجان‌زدگی‌های رایج پرهیز می‌کند. برخلاف آنچه در شبکه‌های اجتماعی با تیتراژهای عجیب و روایت‌های اغراق‌آمیز درباره «جزیره‌ها» و حواشی دیگری بینیم، اینجا با یک کار تحقیقی طرفیم که سعی دارد تصویر را از دل داده‌ها و شهادت‌ها بسازد، نه از دل کلیک و بازدید.

«شیطانی؛ پرونده‌های آپستین» بیش از آن که صرفاً یک مستند جنایی باشد، روایتی است از نسبت قدرت و مصونیت. از اینکه چگونه در جهان امروز، پول و ارتباطات می‌توانند قانون را دور بزنند و حقیقت را برای سال‌ها به حاشیه برانند.